

افول اختر و طلوع شمس در استانبول

نصراثة صالحی

اشاره:

تقریباً از سه چهار سال مانده به یکصدمین سال نهضت مشروطیت ایران، مجموعه فعالیت‌هایی از سوی ارگان‌ها و نهادی مختلف برای بزرگداشت این واقعه مهم تدارک دیده شد. از جمله دانشگاه تهران و وزارت آموزش عالی و مؤسسه تحقیقات علوم انسانی تدارک چند همایش بزرگ را در تهران و تبریز دیدند و نیز کمیته‌ای برای انتشار منابع مشروطه و نیز بازچاپ یکصد روزنامه از روزنامه‌های دوره مشروطه، تشکیل گردید. در آن زمان مدیر گروه تاریخ دانشگاه تهران، دکتر زرگری نژاد، که مسئولیت کمیته مزبور را بر عهده داشت؛ به اینجانب که دانشجوی دکترای تاریخ آن دانشگاه بودم، پیشنهاد نمودند که فهرستی از روزنامه‌های مهم که برای بازچاپ ارزشمند هستند را به کمیته معرفی کنم و درصدد یافتن آنها نیز باشم. فهرست مورد اشاره در کمترین زمان آماده شد و برای دسترسی به روزنامه‌ها نیز از آرشیو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران استفاده شد. اما از آنجا که برخی روزنامه‌های مذکور در فهرست مزبور یا در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نبود و یا کسری داشت؛ اینجانب از دوست ارجمندم، جناب آقای محمد گلبن درخواست نمودم تا از گنجینه عظیم روزنامه‌های بایگانی شخصی خود، ما را یاری رساند. ایشان نیز قبول نموده و روزنامه‌های شمس، حبل‌المتین تهران، حبل‌المتین رشت، ایران نو، بهار، نو بهار و تازه بهار و چند روزنامه دیگر را برای اسکن در اختیار گذاشتند. مقدمات بازچاپ فراهم شد و چند مورد از روزنامه‌های مهم دوره مشروطه از سوی انتشارات دانشگاه تهران منتشر شد. اینجانب چند روزنامه را برای انتشار انتخاب نموده بودم که تنها یکی از آنها یعنی حبل‌المتین تهران، منتشر شد و بعد به جهت تحولاتی که پیش آمد، کار کمیته مزبور متوقف گردید. با این حال یکی از روزنامه‌های مورد علاقه اینجانب که مدت‌ها روی آن کار کرده بودم و دوره کامل آن را از آقای گلبن گرفته و در اختیار کمیته مزبور قرار داده بودم، روزنامه شمس،

بود. با این که مقدمه را نوشته و کوشش‌های مربوط به چاپ این روزنامه را انجام داده بودم، متأسفانه به دلیل تحولات یاد شده، این روزنامه در چاپخانه ماند و هیچگاه منتشر نگردید. چنین کوششی را برای مجله الاسلام شیخ عبدالعلی لاریجانی نیز انجام داده بودم که آن نیز منتشر نگردید. با این حال، درباره روزنامه شمس مقاله‌ای با عنوان «روزنامه شمس و پیروزی مشروطه دوم» در سمینار یکصدمین سال مشروطه در تبریز ارائه نمودم و در خصوص مجله الاسلام نیز، در فصلی از پایان‌نامه تحصیلی خود، به تفصیل سخن گفتم.

مطلبی که در اینجا منتشر می‌شود در واقع مقدمه‌ای است که برای انتشار روزنامه شمس نوشته شده بود. این مقدمه، بیشتر ناظر بر تاریخچه و شناسنامه روزنامه مذکور است و نه تحلیل محتوای آن. برای ارزیابی اهمیت و جایگاه این روزنامه در تحولات بعد از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی و به ویژه نقش آن در پیروزی مشروطه دوم و حتی تحولات بعد از آن، باید مقاله‌های متعدد نوشته شود تا این روزنامه کم شناخته شده فارسی چاپ استانبول به درستی شناخته شود.^۱ متأسفانه آگاهی ما از تاریخ مطبوعات ایران در عصر مشروطه، کم و اندک است؛ تا جایی که حتی شرح حال مختصر و ناقصی هم از بسیاری از نویسندگان مهمی که سال‌ها در این روزنامه‌ها قلم زده‌اند، در اختیار نداریم. برای نمونه، اینجانب هنوز شرح حالی از مؤسس مجله الاسلام یعنی شیخ عبدالعلی لاریجانی و مؤسس روزنامه شمس یعنی سیدحسین تبریزی در جایی نیافته‌ام. به همین ترتیب، از شرح احوال ده‌ها نویسنده‌ای که در روزنامه شمس قلم زده‌اند و در زمره افراد مطرح در محافل فکری استانبول بوده‌اند، هیچ آگاهی درخور توجهی نداریم. از این رو، بدون شناخت کوشندگان راه آزادی و مشروطه‌خواهی، به ویژه در سال‌های بعد از مشروطه که یکسره مورد غفلت قرار گرفته است، نمی‌توان مدعی شناخت درست تحولات فکری و سیاسی سال‌های بعد از مشروطه شد. بنابراین، پرداختن به تاریخ مطبوعات بعد از مشروطه که عصر شکوفایی مطبوعات آزاد در ایران بوده است، به ویژه مطبوعات فارسی‌زبان خارج از ایران، نظیر شمس، یکی از ضرورت‌های عرصه مطالعات تاریخ ایران عصر مشروطه است.

روزنامه شمس

سابقه انتشار روزنامه‌های فارسی زبان در استانبول، به روزنامه اختر باز می‌گردد. این روزنامه، مهم‌ترین و معروف‌ترین روزنامه‌ای بود که در دوران ناصرالدین شاه، از سال ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ق به مدت ۲۲ سال در استانبول، به صورت پیوسته انتشار یافت.^۲ انتشار این روزنامه، در آن عصر تأثیر شگرفی در بیداری ایرانیان و

۱. تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد، تنها مطلبی که درباره شمس تاکنون نوشته و منتشر شده است، مقاله‌ای است با این مشخصات: حسین ابوترابیان، روزنامه شمس چاپ استانبول، مندرج در پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۶، صص ۵۲-۵۹.

۲. درباره اختر، رک، محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، انتشارات کمال، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۶۳-۶۵.

زمینه سازی انقلاب مشروطیت، داشت. اختر بعد از ۲۲ سال، سرانجام زیر فشار حکومت استبدادی عبدالحمید در سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۶ م. تعطیل شد.^۱ حکومت عبدالحمیدی، از دو دهه قبل، آزادی خواهان عثمانی را نیز بعد از انحلال مشروطه و مجلس نوپای آن کشور، زیر فشار شدید قرار داده بود. اختناق حاکم بر عثمانی تا بدان حد بود که وقوع حادثه مهمی نظیر پیروزی نهضت مشروطیت در ایران، به هیچ وجه در عثمانی انعکاس نیافت؛ هر چند دو سال بعد که مجلس شورای ملی ایران به توپ بسته شد و اساس مشروطیت در ایران برچیده شد، این خبر در مطبوعات عثمانی به صورت گسترده انعکاس یافت. اما به نوشته تقی زاده «مردم عثمانی نفهمیدند که کدام مجلس برانداخته شد، زیرا که از وجود چنین چیزی اطلاع نداشتند.»^۲ یحیی دولت آبادی هم که پس از بمباران مجلس، خود را به استانبول رسانده بود، تأیید می کند که «در ظرف دو سال مشروطیت دولت ایران، جراید عثمانی کلمه ای در این موضوع ننوشتند، اما روز شنبه ۲۳ جمادی الثانی که مجلس ما را در تهران به توپ بستند، تمام جراید عثمانی این خبر را نشر می دهند. بدیهی است این کار به امر سلطان بوده که آب چشمی از مشروطه خواهان ملت خود گرفته باشد، [تا] به خیال آزادی نیفتند.»^۳ این ترفند حکومت حمیدی در عمل تأثیری در سرکوب خواست مشروطه خواهان عثمانی که قریب به سه دهه در داخل و خارج از عثمانی برای برانداختن حکومت استبدادی حمیدی و بازگرداندن مشروطه تلاش می کردند، نداشت. تقریباً یک ماه بعد از بمباران مجلس در ایران، مبارزات آزادی خواهان عثمانی به ثمر نشست و سلطان عثمانی در یک عقب نشینی بزرگ، ناچار به اعاده مشروطه و تشکیل مجلس مبعوثان ملی شد. بدین ترتیب مشروطه دوم عثمانی به پیروزی رسید. با بازگشت روشنفکران و آزادی خواهان تبعیدی عثمانی، عرصه برای انتشار روزنامه های ملی و آزاد، نه تنها برای مشروطه خواهان عثمانی که برای مشروطه خواهان گریخته از ایران و نیز آزادی خواهان ایرانی مقیم عثمانی فراهم شد. در چنین شرایطی بود که نخستین شماره روزنامه شمس درست دو ماه و چهارده روز بعد از بمباران مجلس شورای ملی و یک ماه و اندی بعد از پیروزی مشروطه دوم عثمانی، در تاریخ ۸ شعبان ۱۳۲۶ در استانبول

۱. آقا میرزا علی آقا تاجر اصفهانی در تعریضی در شماره دوم روزنامه شمس درباره تعطیلی اختر و انتشار شمس به جای آن می نویسد: «در این پایتخت بزرگ، چند سال پیش، روزنامه ای به نام اختر منتشر می شد و بی خبران را خیردار می کرد. گمگشتگان راه مدنیت را دلیل بود و تنبلان بی مصرف را پند و اندرز می نمود. سرانجام به اسبابی چند که ذکرش خارج از موضوع است، تعطیل شد. یا به عبارت دیگر به پشت ابر فرو رفت و مجمع معارف ما را مظلم و بی فروغ خواست. به جای آن، امروز روزنامه شمس طلوع کرد و افول اختر را تلافی نمود. افاق تاریک ما را روشن و بوستان خزان رسیده را گلشن فرمود. اختر در ظلمت شب استبداد با هزار ترس و لرز، زیر لب و یا گوشه چشم اشارتی از حریت می داد. جریده شمس وسط روز با چهره رخشنده و دهانی پر از شکرخند صلاهی آزادی در داده و اماندگان را به راه و پراکنندگان را به پناه می خواند.» نک: شمس، س ۱، ش ۲، ۱۴ شعبان ۱۳۲۶، ص ۵.

۲. مقالات تقی زاده، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۲. به نقل از رحیم رئیس نیا، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ستوده، تهران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۶۰.

۳. حیات یحیی، ج ۳، ص ۲۷، به نقل از رئیس نیا، همان، ص ۸۶.

منتشر شد.^۱ سید حسن تبریزی که «صاحب کتابخانه شمس» در استانبول بود، با اقدام به انتشار این روزنامه در دوران اختناق استبداد صغیر، بزرگترین گام آزادی خواهانه را برای دمیدن روح امید به مبارزانی که در آذربایجان و خصوصاً در تبریز به مقاومت علیه قشون اعزامی محمدعلی شاه می پرداختند، برداشت. محتوای مطالب سال اول شمس که با دوران استبداد صغیر هم‌زمان است، به خوبی نشانگر نقش این روزنامه در پیروزی مشروطه خواهان و اعاده مشروطه در ایران است. شمس در یکی از شماره‌های سال دوم خود به صورت گذرا به این مسأله چنین اشاره کرده است:

«شمس پس از آن که در اسلامبول اعلان مشروطیت گردید و در ایران اهالی مظلوم گرفتار پنجه استبداد بود، محض خدمت به وطن و ابنای وطن عزیز، اقدام بدین خدمت گران قیمت نموده و هر گونه ضرر مالی و جانی را بر خود هموار و به نشر و طبع او پرداختیم و با وسایل متنوعه به همه نقاط ایران رساند، و باعث خدمات گوناگون و به خلاف مأمول ترقیات بی‌شمار شدیم.»^۲

سید حسن تبریزی به عنوان مدیر و صاحب امتیاز روزنامه شمس در همان شماره اول در طی «اخطار»ی به «هیأت معارف پژوهان» راجع به انگیزه انتشار شمس و تقاضای همکاری معارف پژوهان می نویسد:

«از آنجایی که سالیان دراز خود را بر آن امید می‌داشته که روزی را نائل و موفق گردم که در راه خدمت به نوع عموماً و به وطن عزیز خصوصاً به توسط نشر روزنامه‌ای که اولین اساس ترقی و تمدن و نخستین نقطه عمران و آبادی مملکت است خدمتی نموده و خویشتن را در زمره خدمتگزاران وطن محسوب و ادای حقوق برادران وطنی و مسؤلیت وجدان خارج نمایم، میسر نمی‌شد، چه آن که ابرهای مظلم استبدادبان چنان افق افکار طرفداران آزادی و هواخواهان عدالت را تاریک و متراکم نموده بود که قلم و بیان در آن عصر جاهلیت یاری تحریر و تقریر نداشت. و امروز که از الطاف و نعم بزرگ یزدان پاک پرتو ترشح و از نیروی دانش خداوندان ادراک و بینش نیز تمدن و معارف در این جامعه اتحاد نورافشان گردیده است، ما نیز به نشر روزنامه هفتگی که از منافع و نشر مقاصد ملی در او ذکر شود، مبادرت ورزیده و بدیهی است که با فداکاری یک تن، این مقصد حاصل نخواهد شد. لهذا از پیشگاه منزه وجدان خداوندان افکار صائبه و صاحبان مدارک عالیه استدعا بر آن است که از افاضه افکار و ترشحات مدارک عالیه خویش اداره روزنامه

۱. روزنامه حکمت چاپ قاهره در شماره ۹۲۴ به تاریخ ۱۵ ذیقعد ۱۳۲۶ پس از اظهار این مطلب که مدرسه اساس آزادی هر کشور است، به استقبال از انتشار شمس رفته و خشنودی خود را از انتشار این روزنامه اینگونه ابراز داشته است: «ما را هم تا جمادی‌الاول دلخوشی که در جهان بود اول مجلس شورای ملی بود و دوم فراوانی روزنامه‌های فارسی در داخل که به ناگاه بارانی وزید و مجلس شورای ملی خراب و جریده نگاران برخی شهید و بعضی نایاب شدند تا ناگهانی در هفته گذشته شماره ۹ و ۱۰ و ۱۱ شمس از افق استانبول تابیده و به اداره حکمت رسید؛ لهذا صاحب امتیاز جریده شمس صاحب کتابخانه شمس را تبریک می نمائیم و بقای آن را خواهانیم.» ر.ک: صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳، ص ۸۴-۸۲.

۲. شمس، س ۲، ش ۲۶، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۸، ص ۵-۶.

شمس را قرین افتخار و شرافت فرمایند.»^۱

شمس در سرلوحهٔ اولین شماره خود که در بقیهٔ شماره‌ها نیز تکرار شده، راجع به «روش و مسلک خود ابراز داشته است که «در این جریده هر قسم مقالات تاریخی و سیاسی و علمی و ادبی درج و از منافع دولتی و مملکتی بحث می‌شود و کلیه مقالات عام‌المنفعه پذیرفته و در انتشارش روزنامه آزاد است.» در صفحهٔ نخست اولین شماره، تصویری از ملک‌المتکلمین به چاپ رسیده که در ذیل آن چنین آمده است: «شهید حریت و فدایی وطن آقا میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین که با امر شاه در طهران به دار زده و در کمال بی‌رحمی در دست جلاد سپرده و رگهای گردنش را بریده و جسد او را که حرمتش در هر مذهب و قانون لازم و واجب بود طعمهٔ سگان نمودند.» در صفحهٔ اول شمارهٔ دوم، تصویر شهید دیگر مشروطه، آقا سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، درج شده و در صفحهٔ اول شمارهٔ سوم، تصویر سردار مشروطه، ستارخان، زینت‌بخش روزنامه است. اصولاً یکی از ویژگی‌های بارز و برجستهٔ شمس، این است که در بیشتر شماره‌های خود؛ اقدام به چاپ تصاویر فرد و یا جمعی از آزادی‌خواهان و مبارزان مشروطه‌خواه کرده است؛ تصویری که بعضاً در دیگر منابع مشروطه قابل دسترسی نیست. از دیگر ویژگی‌های کمی و ظاهری شمس این است که مطالب بر روی کاغذ سفید اعلا با حروف اسلامبولی ممتاز چاپ شده است. حروفچینی و صفحه‌آرایی چشم‌نواز و ستون‌بندی دقیق و فقدان اشتباه چاپی که در روزنامه‌های داخل به کرات دیده می‌شود، از دیگر ویژگی‌های این روزنامه است. البته بخشی از این موارد مربوط به دقت نظر و وسواس و سلیقه دست‌اندرکاران روزنامه و بخشی هم مربوط به امکانات چاپی بالاتری است که در استانبول نسبت به تهران، فراهم بوده است.

شمس از ابتدا با مدیریت و صاحب امتیازی سید حسن شمس، شروع به انتشار کرد. خود وی چنان که در سرلوحهٔ روزنامه آمده «کلیهٔ امور اداره و تحریریه» روزنامه را بر عهده داشته و در سال اول و دوم روزنامه مطلبی جز آن که در نخستین شماره نوشته، با امضای او انتشار نیافته است. اما نویسندگان مختلفی در شمس اقدام به انتشار مقاله و مطلب کرده‌اند: نظیر میرزا ابراهیم قمی، حاج حسینقلی تبریزی، علی اصفهانی، عباس مهدی، ارفع‌الدوله (سفیر کبیر ایران در عثمانی)، عبدالرحیم هندی، ابراهیم علوی، حسین دانش، سید محمد توفیق، عبدالرزاق الحسینی مهاجر و افرادی دیگر.

علاوه بر این اینها، یکی از نویسندگان ثابت شمس که در بیشتر شماره‌های آن اقدام به انتشار مقاله و مطلب کرده است، فردی است با این امضا: «ر. ض. ی خراسانی». در هیچ یک از شماره‌های شمس به هویت این فرد اشاره نشده و لذا دانسته نیست که او کیست. از شمارهٔ ۲۳-۲۲ تا ۲۷ سال اول، در سرلوحهٔ روزنامه عبارت «دبیر و نگارنده» نیز آمده و مقابل آن نام «میرزا ابراهیم قمی» قید شده است. در صفحهٔ ۴ شمارهٔ ۲۳-۲۲ در معرفی فرد مزبور اینگونه آمده است: «جناب مستطاب وطن پرست یگانه و ادیب فرزانه آقا میرزا ابراهیم آقا که یکی از مهاجرین و فراریان و احرار است از ابتدای ورود به اینجا کمک‌های شایان

۱. همان، س ۱، ش ۱، ۸ شعبان ۱۳۲۶، ص ۲.

به ملت و معاونت‌های فراوان به این جریده فرموده‌اند از طرف اداره خدمات ایشان را به عالم معارف و جراید تشکر فراوان می‌گوئیم.^۱

چنان که در فقره فوق آمده، میرزا ابراهیم قمی از ابتدای انتشار شمس با آن همکاری داشته است، چنان که «مقاله مخصوصه» شماره نخست سال اول، در ضرورت اتحاد آحاد ایرانیان، به قلم اوست. جز در چند شماره دیگر، مطلبی با امضای او در شمس انتشار نیافته است. شاید همکاری وی بگونه‌ای غیر از نویسندگی ادامه یافته است. به هر حال از شماره ۲۸ به بعد عبارت «دبیر و نگارنده» و نام «میرزا ابراهیم قمی» بدون هیچ توضیحی از سرلوحه روزنامه حذف شده است.

از شماره هفتم سال دوم، در مدیریت روزنامه تغییر مهمی صورت گرفت. علت این تغییر اعلان قانون جدید مطبوعات عثمانی بود. به موجب قانون مزبور، هر روزنامه که در قلمرو عثمانی انتشار می‌یافت، باید دارای مدیر مسئولی از اتباع عثمانی بود.^۲ شمس با تأخیر سه روزه در انتشار، مدیر مسئولی به نام سید محمد توفیق را انتخاب می‌کند که نام وی از شماره مزبور به عنوان مدیر مسئول در کنار صاحب امتیاز، سید حسن تبریزی، در انتهای آخرین صفحه هر شماره درج شده است. توفیق، کمی بعد از این مسئولیت، ریاست دبستان ایرانیان استانبول را هم بر عهده گرفت. توفیق «همدانی‌الاصل، اسلامبولی‌المسکن» بود،^۳ که به جهت تولد در خاک عثمانی از ابتدا تابعیت آن کشور را داشت. به نوشته گرکه، وی از اتباع ایران بوده، در بغداد متولد شده و در اروپا بزرگ شده بود.^۴ متأسفانه درباره شرح احوال او نیز همانند سید حسن تبریزی، هیچ مطلبی در روزنامه شمس درج نشده است.^۵ با این تفاوت که عکس وی در صفحه نخست شماره ۸ سال دوم به چاپ رسیده، حال آن که هیچ عکسی از سید حسن تبریزی در آن روزنامه به چاپ نرسیده است. البته چند مقاله مهم نیز به قلم او در شمس انتشار یافته است. یکی از مقاله‌های او که در ضرورت اتحاد شیعه و سنی در بخارا، به زبان ترکی عثمانی است.^۶ جز این مقاله، در چند مورد دیگر نیز، شمس اقدام به انتشار مطالب ترکی کرده است. این بر خلاف وعده‌ای است که در شماره نخست داده بود؛ در آن شماره تصریح شده بود که «چون نخواستیم که برادران ترک زبان خود را که در این شهر مینو بحر می‌باشند از خواندن این نامه بی‌بهره گذاریم، گاهی نیمی از آن را پارسی و نیمی را ترکی خواهیم

۱. همان، س ۱، ش ۲۲-۲۳، ص ۴.

۲. همان، س ۲، ش ۵، ۱۰ رمضان ۱۳۲۷، ص ۱۵.

۳. همان، س ۱، ش ۴۶، ۵ رجب ۱۳۲۷، ص ۸.

۴. اولریخ گرکه، پیش به سوی شرق (ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول)، ترجمه پرویز صدری، کتاب سیامک، تهران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۵۸.

۵. جز یک مورد آن هم به اختصار در شماره ۴، سال اول، صفحه ۷ که در آنجا از او تحت عنوان «سید محمد توفیق بک بصری» یاد شده است.

۶. شمس، س ۲، ش ۲۳، ۱۳ صفر ۱۳۲۸، ص ۱۱-۱۳.

نگاشت،^۱ این وعده، جز در دو سه مورد خاص هیچگاه عملی نشده^۲ و شمس تمام صفحات شمس خود را به زبان فارسی منتشر کرده است.

روزنامه شمس از شماره یکم سال اول تا شماره ۱۵-۱۴ سال دوم در چاپخانه‌های مختلف استانبول انتشار یافته است. معمولاً از هر چند شماره، چاپخانه روزنامه تغییر یافته است. نامه مطبوعه‌هایی که در شماره‌های مختلف آمده از این قرار است: مطبوعه جهان، سالنیک، اقبال، آصادوریان، اداره معلومات، مرکز، هلال، متین، قره بت، احمد ساقی بک و خانم‌لر مخصوص غزته مطبوعه سی. تغییر دائمی مطبوعه‌ها، کار انتشار روزنامه را گاه با دشواری مواجه می‌کرد. در بعضی شماره‌ها، مدیر مسئول از تأخیر چند روزه در انتشار روزنامه پوزش خواسته است. این امر صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه را و می‌دارد تا به فکر تأسیس مطبوعه خاص برای روزنامه بیفتد. این امر طی اطلاعیه‌ای این گونه به آگاهی خوانندگان رسیده است:

«از حضور مشترکین گرام روزنامه شمس با کمال محجوبیت از عدم نشر روزنامه در هفته ماضی با اظهار علت پوزش و معذرت می‌خواهیم. از روزی که این خدمت‌ذی‌مفخرت را در عهده نموده‌ایم، جهت طبع روزنامه به مشکلات گوناگون دچار می‌گردیم، لذا برای توسیع خدمت از لزوم تأسیس یک مطبوعه مجبور شده و درصدد تدارک آن برآمده ماکنه مکملی سپارش و این هفته رسید و آلات و ادوات سائره را هم اخطار نموده هفته ماضی مشغول وضع دستگاه و ترتیب اداره بودیم و به عنایت حضرت باری جل شأنه و عظم قدرته روبروی باعالی مطبوعه را دائر و انشا نموده و انشاءالله بیشتر از پیشتر مشغول خدمت وطن خواهیم شد. و بدین مناسبت از حضور مشترکین گرام دور و نزدیک و کلای محترم خود به وجهه آبونه را به اداره برسانند و ما را در این خدمت ملی دچار تنگی و مضایقه نپسندند.»^۳

روزنامه شمس از جهت انتشار مقالات مفید و ارزشمند، روزنامه‌ای است پربار؛ گذشته از آن، اقدام این روزنامه در انتشار درست اخبار و رویدادهای مهمی که در ایران و عثمانی اتفاق می‌افتاده نیز درخور توجه است. این امر به دلیل وجود خبرنگاران و کلایی است که این روزنامه در شهرهای مهم عثمانی و نیز در خود ایران و حتی عتبات داشته است. شمس در اکثر شماره‌های خود غالباً اخبار و رویدادهای ایران را از قول خبرنگار خود در شهرهای ایران نقل می‌کند. در یکی از شماره‌ها، در اشاره به خبرنگاران خود می‌نویسد: «خبرنگاران شمس که در هر جا هستند از اشخاص بی‌طرف موثق و بی‌غرض و وطن‌پرست انتخاب شده و درباره کسی سوء قصد ندارد و هر خبری که می‌دهند محض حقیقت می‌باشد.»^۴ شمس در یکی از شماره‌ها، در اشاره به وطن‌پرستی و کیل خود می‌نویسد: «وکیل طربوزن اداره شمس، جناب آقامیرزا حسن بک که از جوانان وطن‌پرست و باتربیت و احرار هستند سرمنشیگری قونسلخانه هم داشت چند روزی است به

۱. همان، س ۱، ش ۱، ص ۱.

۲. برای نمونه: سواد عریضه متحصنین سفارت عثمانی در طهران به جناب مصلحت‌گذار که به ترکی عثمانی در شماره ۲۷ سال اول (۱۸ صفر ۱۳۲۷، ص ۶ و ۷) انتشار یافته است.

۳. شمس، س ۲، ش ۱۵-۱۴، ۲۶ ذیقعه ۱۳۲۷، ص ۱.

۴. همان، س ۲، ش ۴، ۱۰ شعبان ۱۳۲۸، ص ۶.

اسلامبول تشریف آورده‌اند، خدمات وطن‌دوستانه و معارف‌پرورانه ایشان سزاوار هر گونه تمجید است.^۱ فاصله زمانی انتشار شمس هیچگاه تغییر نکرد؛ هر هفته پنج‌شنبه از چاپ در می‌آمد، اما تعداد صفحات آن بارها دچار تغییر شد. شماره اول از سال اول در ۸ صفحه، شماره ۶ در ۱۰ صفحه و شماره ۱۴ در ۱۲ صفحه منتشر شد. این نوسان در حجم صفحات در سال اول کماکان ادامه یافت. از شماره سوم سال دوم، تعداد صفحات به ۱۶ رسید و از شماره ۲۶ طی اطلاعیه‌ای اعلان شد که روزنامه درصدد است تا صفحات خود به ۲۰ و یا ۲۴ افزایش دهد. متن این اطلاعیه از این قرار است:

«چون اداره همواره مرهون توجهات قارئین محترم است در مقابل الطاف و تشویقات ایشان لازم دید که صحایف روزنامه را تزئید و هر هفته خلاصه حوادث داخلی و خارجی را به نظر مشتربین محترم عرض نماید. لذا از این هفته صحایف روزنامه را به بیست ابلاغ و انشاءالله اگر توفیق خدا رفیق باشد بعد از سه ماه در ۲۶ صفحه نشر و در طریق خدمت به وطن بیش از پیش سعی جدی خواهد نمود. البته این خدمت اداره در نزد مشتربین محترم منظور افتاده در خصوص تأدیه و ارسال وجوه آئونه دریغ نخواهد فرمود.»^۲ وعده مزبور، در عمل تحقق نیافت و جز در یکی دو شماره، کلیه شماره‌های سال دوم در ۱۶ صفحه انتشار یافت. اما از سال سوم قطع روزنامه تغییر یافت و بزرگتر شد. روزنامه شمس با وجود تمام ویژگی‌های مثبت کمی و کیفی که دارد، برخلاف بسیاری از روزنامه‌های وقت، دارای یک نقیصه مهم است و آن این که روز و ماه و سال نشر و شماره انتشار روزنامه تنها در صفحه اول آن درج شده و در بقیه صفحات تنها شماره صفحه قید شده است. در چند مورد نیز در تاریخ روزنامه اشتباه چاپی صورت گرفته است؛ از جمله در سال دوم، شماره ۹، به جای ۱۳۲۸ باید ۱۳۲۷ باشد. و نیز در شماره ۱۰ همین اشتباه رخ داده است. اما از شماره ۱۱ اصلاح شده است.

در سال اول در یک مورد، دو شماره (۲۳-۲۲) با هم چاپ شده است. در سال دوم هم این عمل در یک مورد اتفاق افتاده است. شماره ۱۵-۱۴ در ۲۴ صفحه منتشر شده است. از آنجا که آگاهی‌های جزئی‌تر راجع به روزنامه شمس را در «شناسنامه» پایان مقدمه آورده‌ایم در اینجا از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌کنیم.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان، س. ۱، ش. ۳۲، ۲ ربیع الآخر ۱۳۲۷، ص. ۵.
 ۲. همان، س. ۲، ش. ۲۶، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۸، ص. ۲.

شناسنامه روزنامه شمس

نام: شمس
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید حسن تبریزی (صاحب کتابخانه شمس)
دبیر و نگارنده: از شماره ۲۳-۲۲ تا ۲۷ سال اول، میرزا ابراهیم قمی
مدیر مسئول: سید محمد توفیق (از شماره ۷ سال دوم به بعد) صاحب امتیاز

روزنامه همچنان سید حسن تبریزی بوده است.
محل انتشار: استانبول
نشانی اداره روزنامه: از شماره ۱۵-۱۴ سال دوم، مطبعه و اداره خانه روبروی بابعالی، نمره ۷۲

فاصله انتشار: به صورت هفتگی
روز انتشار: شماره ۱۵ روز جمعه و از شماره ۲ روزهای پنجشنبه

طبع و نشر می شده است.

تاریخ انتشار نخستین شماره:

جمعه ۸ شعبان ۱۳۲۶

تعداد صفحات:

سال اول: ۸، ۱۰، ۱۲. سال دوم: ۱۲ و ۱۶ صفحه

قطع:

وزیری ۱۷/۵ + ۲۵/۵

زبان:

فارسی، در چند شماره نیز مطالبی به ترکی عثمانی انتشار یافته است.

تعداد شماره‌های هر سال:

سال اول: ۴۸ شماره؛ سال دوم: ۴۸ شماره

سال‌های انتشار:

۱۳۲۶-۱۳۲۹

چاپ:

چاپخانه:

تا شماره ۱۵-۱۴ سال دوم در مطبعه‌های مختلف استانبول منتشر شده است: نظیر مطبعه جهان، سلانیک، اقبال، آصادوریان، اداره معلومات، مرکز، هلال، متین، قره بت، احمد ساقی بک و خانمیر مخصوص غزته مطبعه سی، سپس، روزنامه اقدام به تأسیس مطبعه اختصاصی به نام «مطبعه شمس» کرده و بقیه شماره‌ها در این مطبعه به چاپ رسیده است.

مشخصات روزنامه به زبان فرانسه:

"Chems" Journal Persan, Directeur, Proprietaire: S. Hassan

کلیه امور اداره و تحریریه
پدیر روزنامه
سید حسن تبریزی است
Chems
Journal Persan
Directeur, Propriétaire,
S. HASSAN
Stamboul
مناحه یکبار طبع و نشر میجود

شمس

په است و راد و دیده پناو (آفتاب)
تا آدی نگاه کنه پیش پای خویش

مطبوعه و اداره مطبعه روزپوری
باب عالی نمره ۱۳



قیمت اشتراک:

- سالانه در اسلامبول ۶۰ غروش
- درعالمکتابه ۷۵ »
- در ایران ۳۵ قران
- در روسیه ۶ منات

قیمت یکله نمره یکله
غروش است

در این جریده هر قسم مقالات تاریخی و سیاسی و علمی و ادبی درج و از منافع مملکتی و دولتی بحث میشود و لویه مقالات نام القمه پذیرفته و در انتشار و ردان مصاحبت روزنامه آزادست .

قیمت اعلان عادی سطر۳ و اعلان بانک و امور صرفاتی (۵) اعلانات ممتا که در جای حوادث درج شود سطر۱۵) غروش است.

فترت یکساله

خطبای وزمامداران امور حکومت ایران و بی مهارتی آزادی طلبان و رهبران ملت ایران ، ایرانی فکرده را باین گروه سالت انداخت .
شسی نیست که این دو سابق سست کار ، شیراز و کیهنستان ان حکومت پوسیده و ذک ملت با جهامدات خویش از منقلب دولت بس گرفته بود در نتیجه منقلب و بی مهارتی خودشان بیشتر از هم پاشیده و بدتر به نشت قواش سببت دادند .

لکن تعداد و غمات و فلاکتی که از این رو یعنی از این غفات و بی مهارتی بر ایرانیان وارد گشت و ذکر آنها امروزه شبانین این حال بر ملال مایست بلکه تمام حرکات خطا آلود بر آکه تاکنون سرزده حسواله به تحظه تاریخ و تنقید اخلاف خود مینمایم ، و با ذکر و تعداد آنها نیزیک فلاکتی هم بر این سه بختی های خودمان نمی افزایم با که لوجه منظمه حال و سر انجام مجهول استقبال ابرازا موضوع بحث خود مینمایم .

قریب یکسال است که رجال و وزمامداران حکومت حاضر در ایران تن با دستحاصل رضا و خوشنودی همسایگان محترم و متجاوز ایران داده و کورا برای عدم انقباض و عدم تهیج افکار استیلا جوینان آن به تنوم افکار ملیه ایرانیان پرداخته است . و در اجندت جناحیه معلوم است ایران یک ملت سرای عمومی بوده مأمورین و افسران روس که فتنه بخون ایرانیان بودند از هیچگونه افسال ظلاله و تجاوزات

بیرحانه خود داری نموده عین ان سیاست خون آسمانه را که حکومت مستبده روس تاکنون نسبت آزادی طلبیان خاک خود تطبیق مینموده و جلب نفرت تمام جهان بشریت را بر خود کرده او را به لرزگی عزت نفس ایرانیانرا بیشتر منکسر نماید بصورت غیرت و دغشراش تر در خاک بلادیده و وطن عن کشیدما ایران تطبیق نمود .

ولی ماچون دولت اسلام نمیده بدویم از این جهت مجرم اسلامیات جهان بشریت نسبت این وحشت کنگت داشت و از این همه تحقیرات و توهینات روسیان که از صلب تقالاسلام گرفته تا بومیاردمان متبدهضوی(ع) که بر ملت ایران وارد شد اگر خوشنود هم نبود بدشان هم نمی آمد.

خلاصه عداوتهای رنگین و تجاوزات رنگین حکومت روس را که دفتر اعمالش سینه پر کین ایرانیان و وطن دوست است فعلا نخواهیم شجره . لکن در این یکسال فترت با ان قرط عجت که رجال ما نسبت به همسایگان متجاوزما اظهار مینباشند عجبا چه نتیجه برداشته شد ؟ از این همه حسن امتزاج و الفت راجع بتنافع ملت و استقبال و استقلال مملکت چه استفاده کرده شد ؟ جواب این سوال بنه این است که ما مایبت ان مختارن و مذاکرانی را که میان وزرا و رجال حکومت و همسایگان ما زدوبدل شد (اگر شده باشد) از نزدیک بفهمیم . ولی از آثار و عسلامت خارجیه اینقدر میتوانیم بپوش که همان مهمیبت و ابکیبت که از نه ماه پیش در مناسبت خارجیه و ابکیبت که ایران با همسایگان ملحوظ بود هنوز کسب وضوح نگرده

و امریکه مدفنه استقلال ایران و کاریکه حافظه منافع ملیه ایرانیان دروی منظور باشد هنوز از رجال حکومت ما مشهود نکر دیده است . خود بوردیده از زوری این همه لغت و معنیات کدر اجندت فترت بظهور میرسد برداشته شده و مانع علنا و قوف نام بر این نمائشهای پس برده میسازد .

حکومت روس بسده از ان جنسایبت متبده که بیخرا سازد مرکب شده هنوز آتش سببت اش منطقی نکشته . باز پنج ماه متجاوز است که ابکیبت ایلات شاهدسون سرسمر گذاشته سرسمر خونریزی و غارتگری است .

بدبخت ایران ! تا کی در چنین کرداب سقات و فلاکت غوطه پور خواهد بود ؟

ما این را میدانیم که رجال حکومت ماهر قدر مسائلک و دوسوی شعار باشند و فکرشان هم این باشند که با خدمت سیاسی و ملاحظات اقتصادی خود تأمین استقلال ایران و سعادت ایرانیانرا نموده باشند باز وضعیت و موقع سیاسیسیه ایشان در مقابله این احتراصات متجاوزانه روس تنها خیل مشکل سخت خواهد بود . ما میبیک این طور است چرا وجهه نکیش را التزام کرده ایم و ملت را از مقدرات استقلال و ناموس خودش تنوم مینماییم .

بدیسی است که ملت ایران باین اطمینان که زمامداران اکنون دولت در استقبال مسؤل اثر تمام مقدرات آب و خاک کفان و کلان هم کوچه سعادت استقلال آنان خواهد بود در این مدت ناچار باینهمه حادثات اسف انگیز که در

پیام بهارستان / د.د.س.د.ش.۷ / بهار ۱۳۲۹

شماره ۱۶ ۸ ربیع الآخر ۱۳۲۹ ۵ سال سوم ۳۵ مارس ۱۳۲۶ صفحه ۱

کتابه اموداداره و تحریریه
بهدر روزنامه
با حسن تیریزی است

“ Chems ”
Journal Persan
Directeur, Propriétaire,
S. HASSAN
Stamboul

هاتف یکبار طبع و نشر میشود

قیمت اشتراک:
سالانه در استانبول ۶۰ غروش
در جاهک شهابیه ۷۵ »
در ایران ۳۰۰ قران
در روسیه ۶ منات

قیمت یک نمرة یک
غروش است

پایه است و راه و دیده و بناو (آفتاب)
تا آدمی نگاه کند پیش پای خویش

در این جریده هر قسم مقالات تاریخی و سیاسی و علمی و ادبی درج و از منافع دولتی و مملکتی بحث میشود و کلیه مقالات عام التعمه پذیرفته و در انتشار و بردان بصاحبش روزنامه ازادست .
قیمت اعلان عادی سلمری ۳ و اعلان بزرگ و امور صراقی (۵) اعلانات متکا که درجای حوادث درج شود سلمری (۱۵) غروش است.



موسیر زه وو هیر



موسیر وو مورکان شوستر



جناب آقای میرزا علی قلیخان نماینده دولت علیه ایران در آمریکا



موسیر س. ا. مککی



موسیر پروس دینکی

عکسهای چهار نفر مستشارهای امریکائی است که متقبل تشکیلات و اصلاحات امور مایه ایران شده اند .
اولین مأمور دولت ایران که در امریکای معاونت منوی امریکائیا را برای اصلاح امور مایه دولت خود ارزومند گشته ، این شخص محترم جناب آقای میرزا علی قلیخان نماینده دولت علیه ایران در واشینگتنون پایتخت امریکا میباشد .
مشارالیه یکی از رجال جدید دولت مشروطه ایرانست که خدمات تنایبی در این امر ابراز نموده است .

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۲۹

کلیه امور اداره و تحریریه
پدید روزنامه
سید حسن تبریزی است
"Chems"
Journal Persau
Directeur, Propriétaire,
S. HASSAN
Samboul

هفته یکبار طبع و نشر میشود

شمس

چاه است و راه و دیده پناو (آفتاب)
تا آدی نکه کنده پیش پای خویش

طبعیه و اداره خانه روبروی
باب عالی نمبر ۴۳



قیمت اشتراک:

سالانه در اسلامبول ۶۰ غروش
دو ماهه ششماهه ۷۰ »
در ایران ۳۰ قران
در روسیه ۶ منات

قیمت یک نمبر
غروش است

در این جریده هر قسم مقالات تاریخی و سیاسی و علمی و ادبی درج و از منافع ملکنی و دولتی بخت میشود و بلیه مقالات عام المنفعه پذیرفته و در انتشار و ردان بصاحبش روزنامه ازادست .

قیمت اعلان عادی سطر ۳ و اعلان بانک و امور صراف ۵ (۱۰) اعلانات معتا که در جای حوادث درج شود سطر ۱۵) غروش است.

فترت یکساله

خطایای زمامداران امور حکومت ایران
و بی مهارتی آزادی طلبان و رهبران ملت
ایران ، ایرانی افکرده و با این کریهه سذالت
الفاخت .

شعی نیست که این دو سابق سست کار ،
شیرازه کیخته ان حکومت پوسیده را که
ملت با مجاهدات خونین از منقلب دولت پس
کرته بود در نتیجه ثقلات و بی مهارتی خودشان
پیشتر از هم پاشیده و بدتر به تشنگ قوایش
سبیت دادند .

لکن تعداد وخامت و فلاکتی که از این رو
یعنی از این غفلت و بی مهارتی بر ایرانیان
وارد گشت و ذکر آنها امروزه شایان این
حال بر ملال مایست بلکه تمام حرکات خطا
آلود بر آ که تا کنون سرزده حواله به تحفظ
تاریخ و تنقید اخلاف خود مینمایم . و با ذکر
و تعداد آنها نیز یک فلاکتی هم بر این سه بختی
های خودمان نمی افزایم بلکه لوحه مظلمه
حال و سرانجام مجهول استقبال ایرانی را موضوع
بحث خود مینمایم .

قریب یکسال است که رجال و زمامداران
حکومت حاضره ایران تن بایستحصال رضا
و خوشنودی همسایگان محترم و متجاوز ایران
داده و گویا برای عدم اغضب و عدم تهج
افکار استیلا جویانه آنان به تنویم افکار ملیه
ایرانیان پرداخته است . و در اینجند چنانچه
معلوم است ایران یک مایم سرای عمومی بوده
مأمورین و افسران روس که نشه بخون ایرانیان
بودند از هیچگونه افسال ظالمانه و تجاوزات

بیرحانه خود داری نموده عین ان سیاست
خون آشامانه را که حکومت مستبده روس
تا کنون نسبت آزادی طلبان خاك خود
تطبیق مینموده و جلب فترت تمام جهان
بشریت را بر خود کرده او را بطرزیک عزت
فخس ایرانیانرا بیشتر منکسر نماید بصورت
تجیعت و درخشا ز در خاک بلا دیده و وطن
عین کشیدما ایران تطبیق نمود .
ولی ما چون دولت اسلام نایمه میشویم
از این جهت مجرم اسلامیت جهان بشریت
نسبت باین وحشت لگنت داشت و از این همه
تحقیقات و توهینات روسیان که از صلب
تقه الاسلام گرفته بویومیا در مان مشهور شوی (ع)
که بر ملت ایران وارد شد اگر خوشنود هم
نبود بدشان هم نمی آمد .

خلاصه عداوتهای رنگین و تجاوزات
ننگین حکومت روس را که دفتر اعمالش سینه
بر کینه ایرانیان وطن دوست است فعلا نخواهیم
شمرده . لکن در این یکسال فترت با ان فرط
محبت که رجال ما نسبت به همسایگان متجاوز ما
اظهار میداشتند عمیا چه نتیجه برداشته شد ؟
از این همه حسن امتزاج و الفت راجع بتنافع
ملت و استقبال و استقلال ملک که چه استفاده
کرده شد ؟ جواب این سوال بسته باین است که
ما ماهیت ان مغزرات و مذاکراتی را که میان
وزرا و رجال حکومت و همسایگان ما رد و بدل
شد (اگر شده باشد) از نزدیک بفهمیم .
ولی از آثار و علائم خارجه اینقدر میتوانیم
بگویم که همان مهمیت و اکیمت که از نه ماه
پیش در مناسبت خارجه ایران با همسایگان
ملاحظه بود هنوز کسب وضوح نکرده

و امریکه مدافعه استقلال ایران و کاریکه محافظه
منافع ملیه ایرانیان در وی منظور باشد هنوز
از رجال حکومت ما مشهود نکر دیده است .
خوب بود برده از روی این همغلز و معیبات
کدر اینجند فترت بطهور میسرند برداشته
شده و ملت علنا و قوف تام بر این ناپشهای
پس برده میرساند .
حکومت روس بعده از ان جنسایات
متعدد که در پیروز و خراسان مرتکب شده هنوز
آتش سبیت اش منغلی نکشته . باز پنج ماه
متجاوز است که بایکشت ایلات شاهسون
سر بر سر گذاشته سر کرم خونریزی و غارتگری
است .

بدبخت ایران ! تاکی در چنین کرداب
سفلت و فلاکت غوطه ور خواهد بود ؟

ما این را میدانیم که رجال حکومت ما هر
قدر مستلکتر و دوستی شعار باشند و فکرشان
هم این باشد که با خدمت سیاسی و ملاحظات
اقتصادیه خود تأمین استقلال ایران و سعادت
ایرانیانرا نموده باشند باز وضعیت و موقع
سیاسیه ایشان در مقابل این احتراصات
متجاوزانه روس تنها خیلی مشکل و سخت
خواهد بود . ما دامیکه این طور است چرا
وجهه تنگنیش را التزام کرده ایم و ملت را
از مقدرات استقلال و ناموس خودش تنویم
مینماییم .

بدیهی است که ملت ایران باین اطمینان
کرمز ممداران اکتوی دولت در استقبال مسؤل
اتر تمام مقدرات آب و خاک کشان و کافل همه
کوه سعادت استقلال آنان خواهد بود در این
مدت تا چار باهمه حادثات اسف انگیز که در

پیام بهارستان / ۲۰۲۰ / ۷ بهار ۱۳۸۹